



بسته شدن پرورشگاه‌های دولتی در سه ولایت؛

۱۶۹ کودک یتیم بی سرنوشت شده‌اند



پس از تسلط طالبان بر کشور، ۱۶۹ کودک یتیم در ولایات فاریاب، سمنگان و سرپل مجبور شده‌اند با اقارب‌شان زنده‌گی کنند که از نگاه مالی توانایی فراهم کردن غذا، لباس و امکانات تعلیمی مناسب را ندارند. براساس اطلاعات منابعی که با روزنامه ۸ صبح صحبت کرده‌اند، طی نه ماه گذشته سه پرورشگاه دولتی در ولایت‌های سرپل، فاریاب و سمنگان به دلیل نبود بودجه بسته شده است. براساس گفته‌های این منابع، ۶۰ کودک یتیم در سرپل، ۷۹ کودک در سمنگان و ۳۰ کودک دیگر در فاریاب ناگزیر شده‌اند با اقارب‌شان زنده‌گی کنند؛ کسانی که از مشکلات اقتصادی و وضعیت نامعلوم رنج می‌برند.

۵



نزاع مسالهدار طالبان بر سر بندر حیرتان

۳

تقسیم جامعه به خودی و غیر خودی؛ طالبان بر سر راه توسعه سنگ می‌اندازند

۴

برگشت به عصر آفتابه‌ولگن

رژیم طالبان با وارد کردن جنگ‌جویانش به اداره‌ها، بنیاد نیم‌بند شایسته‌سالاری را به گونه کامل برکنده است. اداره‌ای که اساس کار آن استخدام جنگ‌جو به صفت کارمند متخصص باشد، آینده و کارایی آن روشن است. بیش‌تر اداره‌ها هم اکنون با اتکا بر کارمندان حکومت پیشین می‌چرخند و افراد طالبان تنها بار دوش کارمندان متخصص شده‌اند.

۴



افزایش بهای مواد خوراکی؛ مردم مزارشریف با گذشت هر روز ناتوان‌تر می‌شوند



۷

والی طالبان در هلمند فرمانده جدید قطعه انتحاری این گروه شد

۸ صبح، هلمند: سخنگوی والی طالبان در هلمند گفته است که مولوی عبدالاحد، براساس فرمان ملا هبت‌الله آخوندزاده، رهبر گروه طالبان، به‌حیث فرمانده کندک انتحاری این گروه تعیین شده است. به گفته او، روز گذشته، ۱۴ جوزا، وی توسط یک هیات اعزامی ملا هبت‌الله، به اعضای کندک انتحاری قطعه عمری این گروه معرفی شده است. مولوی عبدالاحد، مشهور به مولوی طالب، پیش از این به‌حیث والی طالبان در هلمند کار می‌کرد و یکی از فرماندهان مهم این گروه در این ولایت محسوب می‌شود.

گروه طالبان پیش از این از ایجاد یک شاخه کندک انتحاری طالبان تحت نام کندک «استشهادی» لشکر منصور، در شهر فیض‌آباد، مرکز بدخشان، خبر داده بود.

کندک انتحاری طالبان یکی از بخش‌های مهم نظامی این گروه است که حملات مرگباری را در شهرها و مکان‌های عمومی انجام داده است.



دو زن در ولایت سمنگان دار زده شدند



۸ صبح، سمنگان: باشندگان ولایت سمنگان جسد دو زن به دار آویخته شده را از داخل چاهی خشک در زیر پل حضرت سلطان کشف کردند.

برخی منابع می‌گویند که این زنان چند روز قبل به دار آویخته شده‌اند.

منابع محلی به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که عصر شنبه، ۱۴ جوزا، باشندگان ولسوالی حضرت سلطان ولایت سمنگان اجساد به دار آویخته شده این دو زن جوان را از داخل چاهی خشک کشف کردند.

تاکنون هویت این زنان مشخص نیست، اما منابع از شفاخانه ولایتی سمنگان می‌گویند که گمان می‌رود آن‌ها باشندگان ولایت بلخ یا ولایت بغلان باشند.

به دلیل نبود اطفاییه مسجد جامع ولسوالی ینگ قلعه تخراب به‌گونه کامل سوخت

۸ صبح، کابل: منابع در تخار می‌گویند حوالی ساعت ۶:۰۰ عصر یکشنبه، ۱۵ جوزا، مسجد جامع ینگ قلعه این ولایت آتش گرفت و به دلیل نرسیدن اطفاییه تمام مسجد حریق شده است. منابع محلی در ولسوالی ینگ قلعه تخار می‌گویند که آتش‌سوزی از شارتی برق آغاز شد و به دلیل نبود اطفاییه، آتش‌سوزی گسترش یافته است. در همین حال، انصارالله انصاری، رییس اطلاعات و فرهنگ طالبان در تخار، این آتش‌سوزی را تأیید کرده و گفته که این حادثه تلفات جانی در پی نداشته است.

شیوع بیماری کولرا در ولسوالی گیروی ولایت غزنی

۸ صبح، غزنی: منابع محلی در ولسوالی گیروی ولایت غزنی از شیوع و گسترش بیماری کولرا در این ولسوالی خبر داده‌اند.

منابع گفته‌اند که در پی شیوع این بیماری، در یک هفته گذشته ۹۰ تن که شامل زنان و کودکان هستند، در روستای پنی این ولسوالی به بیماری کولرا مصاب شده‌اند.

وضعیت صحتی چند تن از مصاب شده‌گان وخیم گزارش شده است.

باشنده‌های محل از نبود دوا و امکانات کافی صحتی در این ولسوالی شاکه‌اند.

آن‌ها هشدار می‌دهند که اگر به این موضوع توجه جدی نشود، احتمال گسترش این بیماری به مناطق دیگر این ولایت و ولایت‌های دیگر، وجود دارد.

در همین حال مسوولان صحتی طالبان در غزنی با تأیید این خبر گفته‌اند که ملوث شدن آب کاریز این روستا، علت شیوع این بیماری بوده است.

مسوولان در ریاست صحت عامه طالبان در غزنی گفته‌اند که چندین بیمار را به مراکز صحتی ولسوالی‌های هم‌جوار گیروی انتقال داده‌اند.



شکایت مردم زابل: طالبان از مردم مالیات معاف شده هفت سال پیش را می‌خواهند



۵



اداره طالبانی و بحران آب

افغانستان در نامناسب‌ترین زمان به بدترین پهلو غلتیده است. در شرایطی که کشورها، با داشتن دولت‌های نسبتاً کارا، نهادهای تخصصی در حال تحقیق و سرمایه‌گذاری، دانشگاه‌ها و بازارهای پرتحرک، در برابر مشکلات روزافزون محیطی احساس ناتوانی می‌کنند، افغانستان در چنگ نیرویی افتاده است که با هرچه نشانه کار و تدبیر است، سر جنگ دارد. با بسته شدن مکاتب، فقط میلیون‌ها کودک و نوجوان فرصت تحصیل را از دست نمی‌دهند؛ یا با اخراج کارکنان متخصص و وضع محدودیت بر فعالیت‌های اجتماعی مردم، فقط حقوق اساسی و مدنی افراد و اقشار معین زیر پا نمی‌شود؛ بلکه تمام ملت به سمت پرتگاه کشانده می‌شوند. با آن‌چه اکنون بر کشور ما می‌رود، همه، به شمول خانواده‌های طالبان، با بحران‌های بنیادبرافکن روبه‌رو هستیم. آزادی و دموکراسی، داشتن حکومت مسوول و نهادهای تخصصی، بیش از هر زمان دیگر، نیازی حیاتی شده است. باید به مسیری راه بیفتیم که در برابر چالش‌های روزافزون، همه و با تمام نیرو بسیج شویم.

مبارزه با کمبود آب، یکی از پیکارهای کمرشکن پیش‌روی ما است. تبلیغات سیاسی، این ذهنیت را به وجود آورده که گویا کشور ما منبع غنی آب است. ارقامی چون ۷۵ میلیون مترمکعب آب قابل دسترس در سال، نشر تصاویری از خروش فصلی دریاها و شعارهای فریبنده‌ای چون آب می‌دهیم و دالر می‌گیریم، نفت بدهید و آب بگیرید، در سال‌های اخیر باعث شده که وطن‌داران ما تصور کنند ملت بر مخازن ناتمام آب نشسته‌اند. در حالی که چنین نیست. افغانستان آب دارد، اما این آب بدون تدابیر علمی نیازهای روزافزون ما را رفع نمی‌تواند. از داشتن آب و ظرفیت استفاده موثر از آن، فاصله بسیار است. این فاصله را نمی‌توان با اداره طالبانی و وضعیتی که رفتن و رفتن به مکتب مساله «رهبران» باشد، طی کرد. مدیریت و بهره‌برداری از آب، به دانش و تخصص نیاز دارد. حمایت مردمی و نظام مسوول می‌خواهد. همه دیدیم که حکومت‌های دو دهه گذشته با آن‌همه تبلیغات در مورد آب، در تهیه آب آشامیدنی ساکنان پایتخت کامیاب نشدند، چه رسد به مدیریت آب مزارع و روستاها. در آن زمان، حداقل تلاش‌های شکلی برای مدیریت آب می‌شد. اکنون که طالبان مدیریت و تخصص را تکفیر کرده و ادارات را به چای‌خانه مالاها بدل کرده‌اند، بحران نان و آب هر روز شدت می‌گیرد.

نفوس افغانستان به سرعت در حال افزایش است و پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۵۰ از مرز ۶۰ میلیون عبور کند. تعداد کسانی که روستاها را ترک گفته به حاشیه‌های بی‌آب‌وکار شهرها می‌کوچند، در فقدان حکومت صاحب برنامه و حامی تخصص، چون سیل ادامه خواهد یافت. استفاده بی‌رویه از آب‌خوان‌ها، همین حالا شهرها را دچار بحران کرده است. ادامه‌اش رنج‌های تحمل‌ناپذیری در پی خواهد داشت.

افغانستان در ردیف کشورهای بی‌آبی مواجه خواهند شد. نام پیش‌رو، با بدترین سناریوی آبی مواجه خواهند شد. نام کشور ما در کنار نام یمن، قطر، عراق، کویت و کشورهای خشک شمال آفریقا، خاورمیانه و آسیای مرکزی قرار دارد که بیش‌ترشان برای جنگ‌های احتمالی بر سر آب از یک سو و تدابیری چون شیرین‌سازی آب شور، استفاده مجدد و تحقیقات علمی در کاهش مصارف از سوی دیگر، آماده‌گی می‌گیرند.

در چنین وضعیت بحرانی، گروهی در افغانستان بر مسند قدرت نشسته است که در مورد آب ذهنیت چشمه و کاریزم‌محور دارد، نماز طلب باران را تنها و درست‌ترین تدبیر مبارزه با خشک‌سالی می‌خواند، و بغاری (استثنا) به درگاه آسمان را راه نجات از گرسنه‌گی می‌شمارد. صدها دلیل برای ضرورت ایجاد حکومت مسوول و مردمی می‌توان فهرست کرد. نیاز فوری نجات کشور از گرسنه‌گی و تشنه‌گی، در صدر دلیل‌ها است.

هشدار طالبان به بازیگران برنامه «خندوقند»؛ هرگز علیه طالبان برنامه طنزی نسازید



۸صبح، هرات: گروه طالبان در ولایت هرات به بازیگران برنامه طنزی «خندوقند» شبکه خصوصی طلوع، هشدار داده‌اند که هرگز علیه این گروه برنامه طنزی تهیه نکنند. منابع به روزنامه ۸صبح می‌گویند که استخبارات طالبان این تیم طنزی را برای ساعاتی توییح کرده و به آنان هشدار داده است که در صورت ادامه ساخت برنامه‌های طنزی، به عملکرد طالبان نپردازند. هم‌چنان طالبان این گروه طنزی را به شکنجه

و زندان تهدید کرده و به آنان گفته‌اند که در صورت مشاهده برنامه‌های طنزی علیه این گروه، با آنان برخورد جدی خواهد شد. گروه طنزی برنامه خندوقند که پیش از این در چهارچوب برنامه طنزی در یکی از رسانه‌های خصوصی هرات فعالیت داشت، در کنار برنامه تفریحی، کم‌کاری اداره‌های دولتی را بارها در قالب طنز نقد کرده است. حالا اما طالبان برای این گروه خط‌نشان تعیین کرده و آنان را به حبس، توهین و زندان تهدید کرده‌اند.

برخی تجهیزات و وسایل دفتری ریاست معارف لوگر حریق شد



۸صبح، لوگر: مسوولان محلی طالبان در لوگر آتش‌سوزی در انبار عمومی ریاست معارف طالبان در این ولایت را تایید می‌کنند و می‌گویند که این حادثه در اثر شارتی برق اتفاق افتاده است. محمدشاه‌پور عرب، سخنگوی ریاست معارف طالبان در لوگر، می‌گوید این آتش‌سوزی حوالی ساعت ۱۰:۰۰ پیش از چاشت روز یکشنبه، ۱۵ جوزا، در انبار عمومی تجهیزات و وسایل دفتری ریاست معارف این ولایت رخ داده که شماری

از وسایل دفتری این ریاست حریق شده است. به گفته او، این آتش‌سوزی تلفات جانی ندارد و با تلاش تیم عملیاتی اطفاییه آتش مهار شده است. او می‌افزاید، هنوز مشخص نیست که چه مقدار خسارت مالی وارد آمده، اما برای تشخیص آن یک تیم بررسی موظف شده است. با این حال منابع محلی می‌گویند که در پی این آتش‌سوزی قسمت زیادی از وسایل و تجهیزات معارف طالبان در لوگر حریق شده و خسارات هنگفت مالی به این انبار وارد شده است.

درگیری کوچی‌ها با طالبان در هرات ۸ کشته و زخمی برجا گذاشت



۸صبح، هرات: منابع محلی در ولایت هرات می‌گویند که نیروهای طالبان در این ولایت با کوچی‌ها درگیر شده‌اند. منابع روز یکشنبه، ۱۵ جوزا، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گویند، پس از آن که مردم محل از کوچی‌ها به طالبان شکایت کردند، میان دو طرف درگیری مسلحانه رخ داد. این درگیری به‌خاطری رخ داد که کوچی‌های مسلح از ولایت‌های همجوار مواشی‌شان را در کشت‌زارهای مردم ولسوالی کرخ هرات رها کردند.

به گفته منابع، در نتیجه درگیری میان طالبان و کوچی‌های مسلح در کرخ هرات دست‌کم ۲ کوچی کشته و ۴ تن دیگر زخمی شدند. دو تن از نیروهای طالبان نیز در این درگیری زخم برداشتند. گفته می‌شود که حدود ۱۰ هزار مواشی کوچی‌ها تمام علف‌چرها و کشت‌زارهای مردم را از بین برده‌اند. گفتنی است که اخیراً درگیری‌ها میان کوچی‌ها و دهنشینان در ولایات مختلف افزایش یافته است.

طالبان در هرات برای دومین بار از آموزگاران اطلاعات شخصی خواستند

۸صبح، هرات: منابع محلی در هرات می‌گویند که طالبان در این ولایت بار دوم از آموزگاران خواسته‌اند که اطلاعات شخصی و محرمانه‌شان را به آنان بفرستند. منابع محلی در ولایت هرات روز یکشنبه، ۱۵ جوزا، می‌گویند که طالبان با فرستادن فورم‌های مخصوص به مکتب‌های این ولایت از آموزگاران خواسته‌اند تا اطلاعات شخصی‌شان را در فورم‌ها بنویسند. نسخه‌ای از فورم‌های مخصوص طالبان که در اختیار روزنامه ۸صبح قرار گرفته است نشان می‌دهد که طالبان از آموزگاران هرات نام‌های اعضای خانواده، راه‌های برقراری ارتباط با آنان و حساب‌های آن‌ها در شبکه‌های اجتماعی را خواسته‌اند.



آموزگاران هرات این کار طالبان را نقض حریم خصوصی‌شان می‌دانند و می‌گویند که طالبان هیچ دلیلی برای این کارشان نگفته‌اند. این اطلاعات پیش از این نیز از آموزگاران خواسته شده بود؛ اما آموزگاران به علت مبهم بودن پرسش‌ها از خانه‌پری فورم‌ها خودداری کرده بودند.

طالبان اما این بار دستور داده‌اند که تمام آموزگاران بدون استثناء باید فورم‌ها را خانه‌پری کنند، در غیر آن با برخورد جدی روبه‌رو می‌شوند.

نامه به دبیر کل سازمان ملل: به جنایت علیه تاجیکان پایان داده شود



۸صبح، کابل: بیش از ۶۰ فعال حقوق بشر و دانشگاهیان افغانستان و جامعه بین‌الملل، در نامه‌ای سرگشاده به دبیر کل سازمان ملل، خواهان اقدامات فوری برای پایان دادن به جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت از سوی طالبان علیه «جامعه قوم تاجیک» شده‌اند. در این نامه از قدامت خشونت‌آمیز طالبان علیه جامعه تاجیک در مناطق پنجشیر، ولسوالی‌های اندراب و خوست ولایت بغلان و ولسوالی ورسج تخار ابراز نگرانی شده است. در نامه گفته شده که براساس اسناد و مدارک، طالبان در این مناطق به اعدام‌های صحرایی، گروگان‌گیری، بازداشت‌های خودسر، سوزاندن خانه‌ها، کوچ دادن اجباری و شکنجه غیرنظامیان دست زده‌اند.

در نامه آمده است که گزارش‌های مستند وجود دارد که طالبان در کابل نیز اقدام به بازداشت‌های خودسر، جست‌وجوی خانه‌ها و آزار تاجیک‌ها، به‌ویژه مردم پنجشیر، کرده‌اند. از دبیر کل سازمان ملل خواسته شده است که بنا بر قوانین بین‌المللی، جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت در پنجشیر، اندراب‌ها و تخار را به‌گونه صریح محکوم و طالبان را وادار به پاسخگویی کند.

نویسنده‌گان نامه هم‌چنان از سازمان ملل خواسته‌اند که تحقیقات فوری را در این زمینه آغاز کرده و جلسه ویژه شورای امنیت در مورد «کشتار هدفمند تاجیک‌ها در پنجشیر، بغلان، و تخار افغانستان» را برگزار کند.

چهار طالب توسط نیروهای جبهه مقاومت ملی در بغلان کشته شدند

۸ صبح، بغلان: منابع محلی در ولایت بغلان می‌گویند که یک درگیری میان طالبان و نیروهای جبهه مقاومت ملی در اندراب‌های این ولایت رخ داده است. صیغت‌الله احمدی، سخنگوی جبهه مقاومت ملی، نیز روز یکشنبه، ۱۵ جوزا، به روزنامه ۸ صبح گفت که طالبان دیشب بالای نیروهای مقاومت ملی در روستای تغانک اندراب‌ها حمله کردند که با مقاومت شدید نیروهای جبهه روبرو شد. به گفته احمدی، در نتیجه این حمله چهار طالب کشته و چندین تن دیگرشان زخمی شده‌اند. آقای احمدی می‌گوید که در این درگیری‌ها به نیروهای جبهه مقاومت ملی آسیبی نرسیده است. مسوولان محلی طالبان در بغلان در این مورد چیزی نگفته‌اند. گفتنی است که درگیری‌ها در اندراب‌ها شدت گرفته و در این نبردها به هر دو طرف تلفات وارد شده است.



فرمانده قطعه لایزری طالبان در نبرد پنجشیر کشته شد

۸ صبح، پنجشیر: منابع محلی در ولایت پنجشیر می‌گویند که فرمانده قطعه لایزری طالبان در نبرد با نیروهای جبهه مقاومت ملی در این ولایت کشته شده است.

منابع روز یکشنبه، ۱۵ جوزا، به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که این فرمانده طالبان حمزه نام داشته و باشنده اصلی دره خستک بدخشان بوده است. به گفته این منابع، حمزه با نیروهای تحت امرش یک هفته پیش از سوی مسوولان طالبان به جنگ پنجشیر فرستاده شده بود.

مسوولان طالبان در این مورد چیزی نگفته‌اند. گفتنی است که نیروهای زیادی از طالبان بدخشان در چند روز گذشته برای نبرد با جبهه مقاومت در پنجشیر و اندراب‌های بغلان جابه‌جا شده‌اند.

محتسبان امر به معروف طالبان در بدخشان یک دانشجوی دختر و راننده‌اش را به دلیل نداشتن ماسک لتوکوب کردند



۸ صبح، بدخشان: منابع محلی در بدخشان می‌گویند که محتسبان امر به معروف طالبان در این ولایت یک دانشجوی دختر و راننده‌اش را هنگام رفتن به دانشگاه به دلیل نداشتن ماسک لتوکوب کردند.

منابع روز یکشنبه، ۱۵ جوزا، به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که این دختر آریا نام دارد و دانشجوی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه بدخشان است. به گفته این منابع، محتسبان امر به معروف طالبان در بدخشان دو زن را نیز با خود برده و به آن‌ها کیبل داده‌اند تا دختران را لتوکوب کنند.

گفتنی است که پیش از این نیز طالبان دختران دانشجو را هنگام رفتن به دانشگاه به دلیل نداشتن حجاب توهین و تحقیر کرده بودند و اجازه رفتن به دانشگاه نداده بودند.

نزاع مسالهدار طالبان بر سر

بندر حیرتان

۸ صبح، سمنگان



ولسوالی خلم در شمال کشور هنگام حکومت محمد داوود خان بخشی از سمنگان شمرده می‌شد. با این حال، با روی کار آمدن حکومت حامد کرزی، این ولسوالی با لایزری‌گری برخی از قدرت‌مندان شمال، از سمنگان جدا و به ولایت بلخ مدغم شد. اکنون پس از ۲۰ سال و با تسلط دوباره طالبان، شماری از افراد در گروه طالبان می‌خواهند که این ولسوالی و بندر مهم حیرتان را به سمنگان مدغم کنند.

آب یکی از چالش‌های جدی فراراه مردم ولسوالی خلم بود که اکنون با پیوستن آن به سمنگان، مشکلات موجود در این ولسوالی حل می‌شود. با این حال، شماری از منابع در شمال کشور به این باورند که جداسازی ولسوالی‌ها از سوی طالبان، با توجه به تفکر این گروه، «پرسش‌برانگیز» است. به گفته آنان، طالبان در پی مدیریت ساختار جمعیتی کشورند و چنین اقدامی در حال حاضر نزاع‌های قومی را در مناطق شمال کشور افزایش می‌دهد. به گفته یک منبع آگاه، در شرایطی که مردم به کار و امنیت نیاز دارند، طالبان با جدا کردن و مدغم کردن ولسوالی‌ها، سبب افزایش منازعات قومی میان روستائینان می‌شوند.

به نقل از منابع محلی، پیش از این باشنده‌گان ولسوالی خلم از جاری شدن سیلاب‌های ولسوالی فیروزنخچیر سمنگان به سوی خلم شاک می‌بودند. دو سال پیش نیز سیلاب‌هایی که از رودخانه ولسوالی فیروزنخچیر سمنگان به سوی خلم جاری شد، تلفات جانی و خسارات هنگفتی را برای باشنده‌گان به بار آورد. در ادامه باشنده‌گان ولسوالی خلم در واکنش به جاری شدن سیلاب‌ها و ایجاد سربند آب در ولسوالی فیروزنخچیر، دست به اعتراض زدند. در آن زمان، اسدالله شریفی، نماینده پیشین مردم بلخ در مجلس نماینده‌گان، با شماری از هوادارانش شاهراه کابل - بلخ را در مربوطات ولسوالی خلم برای چند روز مسدود کردند که سرانجام با پادرمیانی یک هیات بلندرتبه حکومت وقت، شاهراه به روی مسافران و موترها باز شد.

شماری از باشنده‌گان شهر مزارشیرف نیز به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که ادغام ولسوالی خلم به ولایت سمنگان، مشکلات باشنده‌گان این ولسوالی را حل نمی‌کند. یک باشنده شهر مزارشیرف در صحبت با روزنامه ۸ صبح افزود که بهتر بود به جای ادغام ولسوالی خلم به سمنگان، برای باشنده‌گان و کشاورزان کانال‌های آب می‌ساختند تا آب در این ولسوالی مدیریت می‌شد.

همچنان باشنده‌گان مزارشیرف طالبان را به سوءمدیریت در خصوص آب متهم می‌کنند و به این باورند که این گروه به خاطر ناتوانی در مدیریت آب، باشنده‌گان ولسوالی خلم را فریب داده است. به گفته آنان، طالبان گفته‌اند که با مدغم شدن این ولسوالی به ولایت سمنگان، مشکلات کشاورزان و باشنده‌گان حل خواهد شد. باورهای عموم نیز بر این است که طالبان هیچ‌گونه پلان انکشافی برای ولسوالی خلم ندارند و تنها به خاطر کاهش شکایات کشاورزان این ولسوالی، تصمیم به مدغم کردن آن به ولایت سمنگان گرفته‌اند.

این تصمیم در حالی گرفته شده که چند روز پس از آن، افراد ناشناس دست‌کم سه پایه را

در منطقه صیاد ولسوالی خلم منفجر کردند. منابع محلی این کار را بی‌دلیل نمی‌خوانند و می‌گویند که انفجار این پایه‌ها می‌تواند برخاسته از واکنش‌های سازمان‌دهی شده درونی طالبان به ادغام این ولسوالی به سمنگان باشد.

تلاش‌ها برای ادغام بندر حیرتان به سمنگان بندر حیرتان در بلخ، در کنار رود آمو قرار دارد. این بندر در سال ۱۳۶۱ خورشیدی با احداث پل دوستی بین اتحاد جماهیر شوروی سابق و دولت دموکراتیک خلق افغانستان اساس‌گذاری شد و در سال ۱۳۶۲ خورشیدی به بهره‌برداری رسید. این گذرگاه مرزی از مهم‌ترین راه‌های تجاری و صادرات و واردات در شمال افغانستان شمرده می‌شود و شهرک مرزی آن علاوه بر گمرک حیرتان برای افغانستان اهمیت استراتژیک دارد. حیرتان هم‌چنین یکی از سه گذرگاه ریلی افغانستان است که احداث راه‌آهن ۷۵ کیلومتری آن با کمک بانک توسعه آسیایی در جنوری ۲۰۱۰ آغاز شد تا کشورهای اوزبیکستان، تاجیکستان و افغانستان بدون نیاز به عبور از ترکمنستان، به خلیج فارس و دریای عمان راه یابند. بندر حیرتان یکی از پردرآمدترین بندرهای کشور به شمار می‌رود و با پیوستن این بندر به سمنگان، این ولایت به سرحد اوزبیکستان وصل می‌شود.

در همین راستا، مولوی عبدالرحمان کندزی، والی طالبان برای ولایت سمنگان، طی نشستی با جمعی از بزرگان قوم و عالمان دین گفته است که تلاش‌ها جریان دارد تا بندر حیرتان نیز به ولایت سمنگان مدغم شود. به گفته او، در گذشته بندر حیرتان نیز بخشی از سمنگان بوده است. در این میان، سرنوشت ولسوالی کلدار بلخ که در میانه بندر حیرتان و ولسوالی خلم موقعیت دارد، روشن نیست. طالبان محلی نگفته‌اند که چگونه مشکل ادغام بندری که در ولسوالی دیگر قرار دارد را بدون مدغم کردن آن ولسوالی به ولایت مورد نظر، حل خواهند کرد.

در این میان، برخی از منابع محلی ادغام ولسوالی خلم و تلاش برای ادغام بندر حیرتان به ولایت سمنگان را حساسیت‌برانگیز می‌دانند. آنان به این باورند که برخی از سران قوم در ولسوالی خلم با این ادغام مخالفت دارند. به باور یک منبع آگاه در شمال کشور، تلاش برای ادغام بندر حیرتان به ولایت سمنگان، بیانگر اختلافات درونی طالبان است. او افزود که برخی از مقام‌های طالبان در بلخ روابط نزدیکی با یک تن از افراد قدرت‌مند در شمال دارند. به گفته او، مولوی قدرت‌الله ابوحمز، والی طالبان برای ولایت بلخ، نیز از طریق یک عضو پیشین پارلمان، با این فرد قدرت‌مند شمال رابطه دارد.

به گفته منابع، طالبان قندهار رابطه نزدیکی با این فرد برقرار کرده‌اند و با استفاده از افراد وی و با اتکا بر کارهای مربوط به شرکت‌های موجود در این بندر، امور را به پیش می‌برند. در این میان، گروه حقانی که در شماری از نقاط سمنگان حضور دارد، خواستار ادغام بندر حیرتان به سمنگان است. اعضای این گروه می‌خواهند که با این کار، از نفوذ برخی از افراد قدرت‌مند پیشین شمال در این بنادر جلوگیری کنند. این در حالی است که به گفته منابع، افراد برخی از افراد قدرت‌مند پیشین هم‌اکنون در بنادر حضور دارند و به کارشان ادامه داده‌اند. به گفته منبع، در صورتی که این افراد با گروه حقانی توافق کنند، ممکن است بندر حیرتان به‌زودی به سمنگان مدغم شود.

گفتنی است که پیش از این، برخی از افراد قدرت‌مند در زمان جمهوریت به این بندر دسترسی داشتند و آن را به‌صورت غیررسمی کنترل می‌کردند. به گفته منابع، طالبان نیز در حال حاضر برای افراد وابسته و هم‌چنان آشنایان شماری از قدرت‌مندان شمال کشور، مشکل ایجاد نمی‌کنند تا بتوانند از پس کنترل و مدیریت این بندر برآیند.

برگشت به عصر آفتابه ولگن



نمی‌خواهند زیر دست افرادی کار کنند که نه مکتب و دانشگاه رفته‌اند و نه تجربه کار اداری را دارند. شرایط امروزی، نسل باسواد را در مخمصه قرار داده است و آنان راهی جز مراجعه به اداره‌های تحت کنترل طالبان ندارند؛ اما در ادامه بر ضد آنان دستور صادر می‌شود و حتی نمی‌توانند یک روند قانونی را به اتمام برسانند.

زمانی که افراد متخصص در یک جامعه به حاشیه رانده شوند، توقع ارایه خدمات از نهادهای ملکی، واهی است. طالبان هیچ‌گاه به سطحی نمی‌رسند که بتوانند با یک جنگ‌جو و توسط سلاح، یک اداره را روی پای ایستاد کنند. به این ترتیب ساختار ظاهری اداره‌های طالبان رفته‌رفته شبیه دوره قبل‌شان می‌شود، با این تفاوت که این‌همه در قرن بیست‌ویکم اتفاق می‌افتد و چنین چیزی از طالب بعید نبود و نیست.

طالبان باید بدانند که اداره‌های عامه غنیمت جنگی نیست که آن را استملاک کنند و هر آن‌چه خواستند، انجام دهند. این اداره‌ها مال غنی نیست، بلکه نهادهای عامه شمرده می‌شوند که هدف از استفاده آن، ارایه خدمات مورد نظر مردم است و هر شهروندی در آن سهم دارد، حتی اگر شبیه طالبان نیندیشد. با سیاست و روش کنونی طالبان، وضعیت ادارات دولتی بدتر می‌شود. از سوی دیگر، کشور عقب‌گرد بیش‌تری را تجربه می‌کند. وقتی به جای نیروهای متخصص اداره عامه، از جنگ‌جویان مکتب نرفته و دانشگاه ندیده استفاده شود، تنها اتفاقی که می‌افتد، هدر دادن زمان و منابع دولتی است. برای این‌که حجم ویرانی نهادها کم‌تر شود، باید از نیروهای نخبه و متخصص استفاده شود. در عصر تکنولوژی و اینترنت، اگر به جای دانش‌آموخته‌گان این رشته‌ها از جنگ‌جویان استفاده شود، کشور نه‌تنها به توسعه نمی‌رسد، بلکه مسیر توسعه را هم گم می‌کند. در آن صورت، ما حتی با توسعه‌نیافته‌ترین کشورها هم رقابت نمی‌توانیم؛ بلکه به دنبال آن‌ها کشان‌کشان هم طی طریق نخواهیم کرد. این خلا با مجال دادن به نیروهای کارا و متخصص و ویران نکردن بیش‌تر نهادهای، می‌تواند پر شود. در آن صورت، کشور لنگان‌لنگان به مسیر توسعه راه خواهد افتاد.

ملکی وجود ندارد، پرستیژ اداری است. متأسفانه با حضور گسترده جنگ‌جویان طالبان در اداره‌ها، دیگر هیچ دفتری به اداره شباهت ندارد. این همه متأسفانه در شرایطی اتفاق می‌افتد که نسل نو چشم‌انداز نوینی برای کشور دارند و رویای شیرین خودشان را جست‌وجو می‌کنند.

با ذهنیتی که طالبان دارند، حکومت‌داری مورد نیاز مردم ناممکن است. طالبان خلاف لاف‌وگراف‌هایی که می‌کنند، به هیچ‌یک از متخصصانی که به آنان وابسته‌گی نداشته باشد، مجال کار در نهادهای ملکی را نمی‌دهند. بدون شک افراد متخصصی که با اتکا بر توانایی‌های‌شان به مراجع بالاتر رسیده‌اند، هیچ‌گاه

شده است. جلساتی که باید در تالار جلسات برگزار شود، در مساجد یا روی سبزه‌ها گرفته می‌شود. پشت میزهای نشانه‌هایی از تف‌دانی و نوسار است و جنگ‌جویان‌شان شبانه روی دفترا می‌خوابند. بدتر این‌که چنین افراد لباس‌های‌شان را پس از شستن، روی کوچ و سایر وسایل دفتری هموار می‌کنند. به این ترتیب اداره‌های ملکی طالبانی را می‌توان با مسافرخانه‌های عمومی مقایسه کرد، با این تفاوت که در مسافرخانه، مالکان به کسی اجازه ورود با سلاح را نمی‌دهند. طالبان اما با میل سلاح بر سر کارمندان در دفاتر حضور می‌یابند و با ظاهر ترسناک، به آنان موعظه می‌کنند. در حال حاضر آن‌چه در اداره‌های

تسلط دوباره طالبان بر جغرافیای افغانستان، به‌وضوح تاریخ سیاه این رژیم در دهه هفتاد خورشیدی و حتی بدتر از آن را تداعی می‌کند. افزون بر تشدید فقر، شهروندان در ماه‌های اخیر ستم و محدودیت‌های طالبان را پشت سر گذاشته‌اند که کارد را به استخوان‌شان رسانده است. یکی از این اقدامات، بسته شدن راه‌های ورود افراد غیرطالب به اداره‌های ملکی است. طالبان به‌تازگی در اداره‌های دولتی به درخواست‌کننده‌گان گفته‌اند که تنها راه استخدام به‌عنوان کارمند، داشتن سابقه کشتار در صفوف این گروه است. چنین واکنش طالبان به این معنا است که راه بیش‌تر شهروندان برای ورود به نهادهای ملکی تا زمانی که حتی یک طالب در رهبری آن اداره باشد، بسته است.

رژیم طالبان با وارد کردن جنگ‌جویانش به اداره‌ها، بنیاد نیم‌بند شایسته‌سالاری را به‌گونه کامل برکنده است. اداره‌ای که اساس کار آن استخدام جنگ‌جو به صفت کارمند متخصص باشد، آینده و کارایی آن روشن است. بیش‌تر اداره‌ها هم اکنون با اتکا بر کارمندان حکومت پیشین می‌چرخند و افراد طالبان تنها بار دوش کارمندان متخصص شده‌اند. آنان حتی با اسنادی که میان اداره‌ها ردوبدل می‌شود، آشنایی ندارند. از مدرک تحصیلی که خبری نیست و بهترین فرد پیشنهاد شده از سوی فرماندهان طالبان، فراتر از چند کتاب دینی سواد ندارد. با چنین روشی، توقع ارایه خدمات از رژیمی که به اندازه یک سر سوزن مشروعیت ندارد، بیهوده است.

طالبان حتی خشونت را وارد ساختار اداری کرده‌اند. اداره‌های ملکی در حال حاضر از افراد با ظاهر عجیب پر شده است که الفبای اداره و کار اداری را بلد نیستند. آنان با تنها چیزی که آشنایی و رغبت دارند، میل تفنگ و خون افراد است. کافی است که سری به اداره‌های ملکی زده شود. عقب بیش‌تر دروازه‌ها از بوت‌های سرویس پاکستانی و چپلک‌های اسفنجی پر شده است. جدا از جنگ‌جویان، حتی رهبران طالبان به جای کوچ، روی زمین می‌نشینند و در دفتر رسمی غذا صرف می‌کنند. آفتابه‌ولگن دوباره به دفاتر برگردانده

تقسیم جامعه به خودی و غیرخودی؛

طالبان بر سر راه توسعه سنگ می‌اندازند



در افغانستان اما حکومت مدرن - هر چند فاسد و ناکارا - از بین رفته است. گروه حاکم اکنون برای خود مشروعیت دینی می‌تراشد. آن‌ها به‌صورت غیرمستقیم این باور را دیکته می‌کنند که از طرف خداوند بر مردم مقرر شده‌اند.

اعضای جامعه به‌عنوان شهروندان برابر نگاه شود. حالا طالبان مردم را به دو گروه تقسیم کرده‌اند؛ طالب و دشمن طالب. هیچ گروهی میانی وجود ندارد. از نظر طالبان جز سیاه و سفید، رنگی وجود ندارد. هیچ کسی خاکستری نیست.

طالبان تاکنون در برخورد با مردم حتی ادای طرف قرارداد اجتماعی را هم درنیاوردند. آن‌ها با میل تفنگ و شلاق سخن می‌گویند، روایت‌های افراطی خود از دین را بر جامعه تحمیل می‌کنند و غیرخودی‌ها را می‌رانند. آن‌ها در حالی که توان دفاع از قرائت‌های افراطی خود از آموزه‌های دینی را ندارند، می‌خواهند آن را با زور تفنگ و چماق بر مردم بقولانند. این روش، مال دوران تکنولوژی و جهان شبکه‌ای نیست. مردم ممکن در کوتاه‌مدت از تفنگ و شلاق آن‌ها بترسند و اعتراض نکنند؛ اما در درازمدت قطعاً این ترس فرو می‌ریزد و صف‌های طوبی در برابر طالبان ایجاد خواهد شد. کسانی را اکنون طالبان در کنار خود نمی‌پذیرند، مجبورند روزی آن‌ها را در مقابل خود ببینند. این‌گونه رفتار و سیاست، هزینه‌های وحشتناکی بر جامعه تحمیل می‌کند و کشور را بیش از حالا به عقب می‌برد. تنها نسخه موثر برای درد مزمن کشور، پذیرفتن هم‌دیگر و احترام به خواست مردم است. خواست مردم، داشتن دولتی مشروع است و رسیدن به این دولت، از مسیر انتخابات می‌گذرد.

تلاش برای این نادیده‌نگاری‌ها، هزینه‌های زیادی را هم بر مردم و هم بر طالبان تحمیل می‌کند. نمونه عینی آن، تشکیل جبهات متعدد علیه این گروه در کشور است که هزینه‌های جانی و مالی بسیار سنگینی را برای دو طرف جنگ بار آورده است. برای همین، طالبان باید به خواست همه‌گانی تن دردهند، با مردم آشتی کنند و با جبهات مخالف خود به گفت‌وگو بنشینند. هیچ راه میان‌بری برای حل این مشکلات وجود ندارد. تنها مسیر و مطمئن‌ترین راه، پذیرفتن تنوع جامعه و آشتی با مردم است؛ چه کسانی که سلاح گرفته علیه این گروه می‌جنگند و چه کسانی که در خانه‌های خود بار تعصب و تبعیض طالبانی را بر دوش می‌کشند.

طالبان تاکنون در برابر خواست مردم و جامعه جهانی مبنی بر تشکیل حکومت همه‌شمول ایستاده‌اند. آن‌ها حکومت خود را همه‌شمول می‌خوانند. برای اثبات ادعای خود، می‌گویند از چندین ولایت در تشکیلات‌شان حضور دارند. مردم اما به این‌که «برادر» قندهاری با «حنفی» فاریابی دور یک دسترخوان می‌نشینند، همه‌شمول نمی‌گویند. همه‌شمول زمانی است که تمامی اقوام و مذاهب کشور بدون تبعیض خود را در آئینه نظام ببینند. زمانی که زنان نیز حدود نیم قدرت را در اختیار بگیرند، آن زمان همه‌شمول می‌شود. این زنان هم باید از طیف‌های مختلف اجتماعی نماینده‌گی کنند. در کنار آن، به تمامی



دست به سازوکارهایی می‌زنند که نه در طول تاریخ مشروعیت‌بخش بوده و نه در شرایط بحرانی کنونی برای طالبان مشروعیت می‌خرد. آن‌ها اکنون در پی تشکیل «مجمع بزرگ افغان‌ها» هستند تا از این طریق، مشروعیت داخلی کسب کنند. از آن‌جایی که چنین شکل‌هایی - مانند لویه‌جرگه‌ها - فرمایشی است، طالبان به آن دل خوش کرده‌اند که با تهدید و ارباب‌عضای این مجمع می‌گزینش افراد خود به‌عنوان اعضای آن، مشروعیت بگیرند. در حالی که آن‌ها وقتی در اواخر دهه ۹۰ میلادی نتوانستند با «بیعت» چند ملا مشروعیت کسب کنند، این بار نیز با گرد هم آوردن چند ریش‌سفید و ارباب به مشروعیت نمی‌رسند. خوب است که از تاریخ و گذشته خود درس بگیرند و به سازوکارهایی دست یازند که در کشورهای توسعه‌یافته به حکومت‌ها مشروعیت می‌دهد و آن برگزاری انتخابات است.

افغانستان با توجه به تنوع فرهنگی و قومی‌ای که دارد، ناگزیر است دیر یا زود به سوی هم‌دیگرپذیری حرکت کند. سیاست سنگ‌اندازی بر سر راه توسعه و هم‌دیگرپذیری که اکنون از سوی طالبان با انحصار قدرت و اعمال تبعیض در پیش گرفته شده است، فقط توسعه و رفاه کشور را به تاخیر می‌اندازد. طالبان اگر می‌خواهند به کاروان جهانی بیوبندند، ناگزیرند تمام شهروندان افغانستان را به رسمیت بشناسند و به حقوق همه احترام بگذارند. سیاه و سفید دیدن جامعه و تقسیم آن به خودی و غیرخودی، فقط می‌تواند بر انبوهی از مشکلات کشور بیفزاید. نادیده گرفتن کتله‌های بزرگ اجتماعی در جامعه متنوع افغانستان، نه امکان‌پذیر است و نه حلال مشکل. حتی

دولت مدرن، باید بر پایه قرارداد اجتماعی شکل گیرد. براساس این قرارداد، مردم باید بخشی از اختیارات و آزادی‌های خود را به شخصی یا تیمی واگذار کنند و در بدل آن خدمات بخواهند. تامین امنیت، تامین رفاه اجتماعی، خدمات تحصیلی و صحتی و غیره وظایف را دولت در بدل گرفتن برخی از آزادی‌های افراد انجام می‌دهد؛ در بدل آن آزادی‌های طبیعی مردم که با وضع قوانین، چارچوب‌بندی می‌شود. در حقیقت، دولت برای این‌که بتواند بر مردم حکم براند، باید چیزی برای عرضه داشته باشد. این قرارداد، یک بده‌وبستان دو طرفه است. وقتی این بده‌وبستان صورت گیرد، دولتی که روی کار می‌آید، مشروعیت داخلی دارد. بر همین مبنای، می‌تواند مشروعیت بین‌المللی نیز کسب کند.

در افغانستان اما حکومت مدرن - هر چند فاسد و ناکارا - از بین رفته است. گروه حاکم اکنون برای خود مشروعیت دینی می‌تراشد. آن‌ها به‌صورت غیرمستقیم این باور را دیکته می‌کنند که از طرف خداوند بر مردم مقرر شده‌اند. بخش بزرگی از مردم نیز به مقرر شدن آن‌ها از سوی خداوند باور دارند و از آن سخن می‌گویند؛ اما با این تفاوت که باور دارند این گروه به دلیل «گناهان» مردم بر سرنوشت آن‌ها مقدر شده است.

حاکمان کنونی از مشروعیت داخلی و بین‌المللی برخوردار نیستند. آن‌ها در بدل گرفتن مشروعیت داخلی که بر مشروعیت بین‌المللی مقدم است، چیزی ندارند که به مردم بدهند. برای همین،

بسته شدن پرورشگاه‌های دولتی در سه ولایت؛ ۱۶۹ کودک یتیم بی سر نوشت شده‌اند

۸ صبح، فاریاب



بر اساس اطلاعات منابعی که با روزنامه ۸ صبح صحبت کرده‌اند، طی نه ماه گذشته سه پرورشگاه دولتی در ولایت‌های سرپل، فاریاب و سمنگان به دلیل نبود بودجه بسته شده است. بر اساس گفته‌های این منابع، ۶۰ کودک یتیم در سرپل، ۷۹ کودک در سمنگان و ۳۰ کودک دیگر در فاریاب ناگزیر شده‌اند با اقاربشان زندگی کنند؛ کسانی که از مشکلات اقتصادی و وضعیت نامعلوم رنج می‌برند.

جمع‌آوری کمک‌های مالی هستند تا بتوانند این کودکان بی‌سرپرست را به پرورشگاه‌ها برگردانند. منابع از ریاست کار و امور اجتماعی ولایت سرپل می‌گویند که حدود ۶۰ کودک در پرورشگاه دولتی این ولایت زنده‌گی می‌کردند، ولی اکنون نزد اقاربشان به سر می‌برند. یک منبع از این اداره گفت: «ما با موسسه حمایت اطفال (save the children)، یونیسف و اکتید که یک موسسه فرانسوی برای همکاری و انکشاف تخنیکی است، در تماس بوده‌ایم تا به ما کمک کنند که این کودکان را دوباره به پرورشگاه برگردانیم.» وی می‌افزاید که آن‌ها به تلاش‌شان ادامه خواهند داد و هر وقتی که حمایت این موسسات را به دست آورند، کودکان یتیم را به پرورشگاه باز خواهند گرداند.

در همین حال مسوولان پرورشگاه شهر ایبک، مرکز ولایت سمنگان، تایید می‌کنند که از میان ۹۰ کودک یتیم، ۷۹ تن آنان به بسته‌گان‌شان تسلیم داده شده‌اند و صرف ۱۱ کودک توسط یکی از بنیادهای خیریه تحت حمایت مالی قرار دارند. به نقل از مسوولان پرورشگاه شهر ایبک، وزارت کار و امور اجتماعی طالبان بودجه خاصی را برای حمایت از کودکان یتیم تخصیص نداده است و نبود منابع مالی سبب شده که آن‌ها کودکان یتیم را به بسته‌گان‌شان بفرستند. از سوی دیگر منابع محلی به ۸ صبح می‌گویند که در دوره جمهوریت، ۳۰ کودک یتیم در پرورشگاه دولتی ولایت فاریاب به سر می‌بردند که با تسلط طالبان، این پرورشگاه هم به دلیل نبود بودجه بسته شده است.

خدیجه، یک باشنده شهر ایبک، ضمن نگرانی از وضعیت نامعلوم کودکان یتیم می‌گوید که اکثر کودکانی که در پرورشگاه‌های دولتی زنده‌گی می‌کردند، فرزندان منسوبان امنیتی حکومت پیشین بودند. به گفته وی، اکنون که پرورشگاه‌ها به روی این کودکان در چندین ولایت بسته شده، آینده آن‌ها در وضعیت نامعلومی قرار دارد.

گفتنی است که چند دهه جنگ، کودکان بسیاری را یتیم و بی‌سرپرست ساخته است. پیش از این بخشی از این کودکان، از سوی اقاربشان سرپرستی می‌شدند و بخشی دیگر در پرورشگاه‌های دولتی زنده‌گی می‌کردند. حالا که طالبان قدرت را در اختیار دارند، مانند سایر عرصه‌ها، عرضه خدمات به این کودکان یتیم هم متوقف شده است.

کافی دسترسی داشتند، گفت: «خدمات و امکانات در پرورشگاه عالی بود؛ اما پس از روی کار آمدن طالبان پرورشگاه شهر ایبک حتا توانایی فراهم ساختن مواد خوراکی را نداشت. به همین دلیل تمامی کودکان یتیم را از پرورشگاه رخصت کردند.»

از سوی دیگر محمدنبی ۱۲ ساله که مدت چهار سال را در پرورشگاه شهر سرپل سپری کرده است، می‌گوید که از چند ماه گذشته تاکنون با خانواده کاکایش زنده‌گی می‌کند. او در مورد زنده ماندن و این‌که بدون امکانات پرورشگاه با چه آینده‌ای روبه‌رو خواهد شد، به گفته خودش به تشویش است. نبی می‌افزاید که کاکایش از چند ماه بدین سو بیکار است و از مشکلات شدید اقتصادی رنج می‌برد.

جاویداحمد ۱۱ ساله هم در وضعیت مشابه قرار دارد. وی می‌گوید: «بعد از این‌که ما را از پرورشگاه بیرون کردند، من مجبور شدم به خانه عمه خود بروم. من به اندازه کافی نان نمی‌خورم و لباس مناسب هم ندارم. خانواده عمه‌ام هم یک خانواده غریب است و چیزی را که پیدا می‌کند، خرج سیر کردن بچه‌های خودش می‌شود.»

مقام‌های محلی طالبان اما می‌گویند که آن‌ها در حال

پرورشگاه زنده‌گی می‌کردند، تامین کند. وی می‌افزاید که یک پسرش سرباز ارتش ملی بوده و در نبردها جان داده و پسر دیگری در یک حمله انتحاری کشته شده است. به گفته غلاممحمد، او اکنون نمی‌تواند از فرزندان پسرانش مراقبت کند.

به گفته غلاممحمد، وقتی پسرش در حمله انتحاری کشته می‌شود، همسر او با مردی دیگر ازدواج می‌کند و سرپرستی تنها پسرش را برعهده این مرد می‌گذارد. به همین ترتیب دومین فرزندش که در ارتش کشته می‌شود، دو پسر از خود برجای می‌گذارد و او اکنون به اندازه کافی نمی‌تواند برای غذای آن‌ها پول پیدا کند. غلاممحمد از طالبان می‌خواهد که پرورشگاه‌ها را دوباره فعال کنند تا افرادی مانند او بتوانند کودکان یتیم‌شان را برای مراقبت و سرپرستی بهتر دوباره به این مراکز برگردانند.

سیدعمر ۱۰ ساله که دو سال عمرش را در پرورشگاه سپری کرده است، به ۸ صبح می‌گوید که پدرش چهار سال پیش توسط افراد ناشناس کشته شد و مادرش با یک مرد دیگر ازدواج کرد. به این دلیل، پدرکلانش او را به پرورشگاه شهر ایبک شامل کرد.

عمر با اشاره به این‌که کودکان در آن‌جا به تعلیم و غذای

شکایت مردم زابل:

طالبان از مردم مالیات معاف شده هفت سال پیش را می‌خواهند

باشنده‌گان ولایت زابل می‌گویند که رژیم طالبان در حال حاضر طالبان مالیات بخشیده شده در زمان حکومت قبلی را از آنان با زور جمع‌آوری می‌کنند. به گفته این باشنده‌گان، در صورتی که آنان از پرداخته مالیه خودداری کنند، طالبان خلاف اصول و مقررات، با استفاده از سلاح، دکان‌های آنان را بسته و سرمایه‌هایشان را برای از دید عواید استفاده می‌کنند.



شده حکومت قبلی را برای افزایش عوایدشان بخواهند، بیش‌ترین آسیب آن به مردم عام می‌رسد؛ زیرا در صورت افزایش مالیه بر اجناس، دکان‌دار این مقدار پول را با مشتریان تسویه می‌کند و قیمت مواد خوراکی در کشور افزایش خواهد یافت.

طالبان در حالی بر تحویل‌دهی مالیات بخشیده شده در زابل تأکید دارند که براساس گزارش مستوفیت این ولایت، آنان در سال مالی ۱۴۰۰ توانسته‌اند ۶۲ میلیون افغانی را به‌عنوان مالیات از مردم و فروشنده‌گان جمع‌آوری کنند. طالبان پیش از این نیز در برخی از موارد، شهروندان را به دلیل کارهایی که در جریان حکومت قبلی بخشیده شده بود، آزاروآذیت کرده‌اند.

از کارمندان مستوفیت دکان‌های ما را با زور بسته می‌کنند.»

او گفت که این مالیه از سال ۱۳۹۰ که حامد کرزی حکمرانی می‌کرد، تحویل نشد؛ زیرا پس از درخواست حکومت مبنی بر تحویل‌دهی مالیات، آنان اعتراض کردند. به گفته این باشنده زابل، مسوولان پس از بررسی، مالیه آنان را برای پنج سال بخشیدند، اما اکنون طالبان به آنان دستور داده‌اند که هرچه زودتر این مالیات را تحویل دهند. افراد طالبان به این دکان‌داران هشدار داده‌اند که در صورت تحویل نکردن مالیات، دکان‌هایشان بسته می‌شود.

یک دکان‌دار دیگر که نمی‌خواهد از او نام گرفته شود، می‌گوید: «من پارسال تازه دکان را فعال کردم و امسال نیز سال دوم دکانم است. از گذشته بالای کرایه‌دار این‌جا مالیات پنج‌ساله مانده بود که بخشیده شد، اما طالبان حالا می‌گویند که این مالیات را باید من تحویل دهم؛ زیرا در حال حاضر دکان‌داری می‌کنم.»

به گفته او، دکانش نواست و قیمت اجناس نیز بلند رفته است؛ اما طالبان در کنار این موارد، مالیات بخشیده شده شخص دیگری را بالای او حواله کرده‌اند. این باشنده زابل با ابراز نگرانی، می‌گوید که طالبان با اعمال فشار به آنان دستور داده‌اند که با مالیات را تحویل دهند و یا هم دکان‌هایشان را بسته کنند.

یک دکان‌دار دیگر به روزنامه ۸ صبح گفت: «طالبان اکنون مالیات معاف شده حکومت قبلی را بالای ما تحویل می‌دهند تا بودجه و معاش کارمندان را پیدا

کسبه‌کاران در زابل از پرداخت مالیات معاف شده که توسط طالبان با زور تحویل گرفته می‌شود، ابراز نگرانی می‌کنند. به گفته شماری از دکان‌داران، آنان در جریان سال ۱۳۹۰ به جمع‌آوری مالیات در آن شرایط اعتراض کردند و در ادامه مالیات سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ آنان بخشیده شد. با این حال به گفته مردم، دکان‌داران زابل در حال حاضر با زور و به دلیل ترس از طالبان، مالیات بخشیده شده قبلی را می‌پردازند. این در حالی است که طالبان مالیات برخی از دکان‌داران قدیمی را نیز از مالکان جدید آن می‌ستانند. مردم دلیل این کار طالبان را تلاش برای افزایش عواید و هم‌چنان تهیه پول برای بودجه می‌دانند. گفتنی است که در سال مالی ۱۴۰۰، مستوفیت زابل تحت رهبری طالبان از مردم ۶۲ میلیون افغانی را به‌عنوان مالیه جمع‌آوری کرده است.

باشنده‌گان ولایت زابل می‌گویند که رژیم طالبان در حال حاضر طالبان مالیات بخشیده شده در زمان حکومت قبلی را از آنان با زور جمع‌آوری می‌کنند. به گفته این باشنده‌گان، در صورتی که آنان از پرداخته مالیه خودداری کنند، طالبان خلاف اصول و مقررات، با استفاده از سلاح، دکان‌های آنان را بسته و سرمایه‌هایشان را برای از دید عواید استفاده می‌کنند.

یک تن از دکان‌داران در این ولایت گفت: «طالبان بالای ما با زور مالیه‌های سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ را تحویل می‌کنند. اگر ما مالیه ندهیم، طالبان با شماری

۸ صبح، زابل



ایومسلم خراسانی

بادی موزون شاخه‌های بی‌برگ درخت‌هایی را تکان می‌دهد که مردی سخاوتمند پیشه آن را در اطراف یک مکتب دخترانه کاشته است تا از گرمی تابستان‌ها دختران دانش‌آموز را نجات دهد. اما سال‌ها می‌شود این مکتب شاگرد، معلم و کتاب ندارد. سال‌ها می‌شود هیچ دختری در آن درس نخوانده است. سال‌ها می‌شود جنگ‌جویان از سرزمین‌های دیگر در آن جا مستقر هستند. مردانی خشمگین با موهای بلند و مغزهای زنگ‌زده که همه‌چیز برای آن‌ها به ماشه تفنگ‌شان خلاصه می‌شود؛ زنده‌گی، عشق و دین‌داری. در این سال‌ها اما یک دختر به این مکتب آمده، صنف‌هایش را دیده و شب‌ها و روزها در آن مخروبه ترسناک زنده‌گی کرده است. الهام نه برای درس و مشق و نه برای لبخند و یادگیری شعر، بلکه برای مرگ آن‌جا رفته است. مادرش می‌گوید: «دخترم بسیار جوان بود، وقت مردنش نبود.»

در فصل برگ‌ریزان جوزجان که سردی و توفان شن‌زارهایش را دیوانه می‌کند، الهام و صادق در کنار دروازه‌ای چوبی هم‌دیگر را چند لحظه ملاقات کردند. دیدار کوتاه و گفته‌هایشان اندک بود. مادرش آی‌طلا که برف پیری اندکی بر موهایش وزیده، با لهجه غلیظ اوزبیک بیانی می‌کند که الهام و صادق عاشق هم بودند. به گفته او، صادق چند بار موسفیدان صاحب رسوخ روستا را برای خواستگاری الهام می‌فرستد؛ اما پدر الهام که از نظامی‌های دوره کمونیستی بوده و بعد اسلام‌گرای دواتشه می‌شود، درخواست‌های مکرر صادق و الهام را رد می‌کند و در میان مجلس بزرگان می‌گوید: «به‌خدا اگه دخترم ره به صادق بتم. نمی‌تم، به خدا و به قرآن نمی‌تم.» بعد صادق و الهام دل به دریا می‌زنند و برای آخرین بار می‌خواهند لحظه‌ای هم‌دیگر را ببینند. همسایه‌ها از دیدار آن دو فلم می‌گیرند و سرنوشت آن‌ها دگرگون می‌شود.

هنوز معلوم نیست چه کسی این فلم ۴۵ ثانیه‌ای را

از صحنه دیدار آن‌ها در کنار دروازه‌ای چوبی گرفته است؛ دروازه‌ای که پدر بزرگ الهام آن را برای تزئین خانه‌اش از چوب چهارمغز ساخته بود. بعد طالبان الهام را بازداشت می‌کنند و صادق فرار می‌کند. از دشت‌ها و شن‌زارها می‌گذرد و خود را به بلخ می‌رساند؛ اما الهام را طالبان به مکتب دخترانه کنار قبرستان می‌برند که در سمت راست بزرگ‌ترین سیل‌رو واقع شده است. مادرش می‌گوید: «فکر نمی‌کردم که الهام زندانی شود. به مه گفته بود که عاشق صادق استم.»

آن‌ها می‌خواستند با هم ازدواج کنند و زنده‌گی مشترک بسازند؛ اما آی‌طلا باور دارد که «قسمت آن‌ها نبوده» است. بعد با کمی اندوه توضیح می‌دهد که حتماً خدا نخواست است. فهم لهجه غلیظ او دشوار است، اما می‌توانم حرف‌ها را با تکرار بفهمم.

وقتی مکتب زندان می‌شود

موسفیدان صاحب رسوخ در کلان‌ترین مسجد روستا با فرماندهان طالبان رای‌زنی می‌کنند. از شیوع فساد گسترده نگران بودند و وجود مبایل‌های هوشمند را عامل تباهی و بی‌بندوباری می‌پنداشتند. کریم‌خان که در آن جلسه اشتراک داشته است، می‌گوید: «مه به عباس گفته بودم که دخترم را به مکتب نمان، مبایل و انترنت نگیر. آخر به سیاسترها هم کسی مبایل گرفته! فکر کنم کم‌کم همو خاصیت‌های کمونیستی سابقش هنوز هم است.» در حالی که صدایش نحیف‌تر می‌شود و دست‌هایش می‌لرزد، می‌گوید در آن جلسه فیصله شد که الهام و صادق باهم ازدواج کرده و از ولسوالی درزاب جوزجان به یک شهر دیگر بروند؛ چون حضور آن‌ها در این ولسوالی خطرناک است و ممکن کسی به آن‌ها آسیب بزند. بعد می‌افزاید: «به حق او واقعا ظلم شد.»

الهام شش روز و پنج شب در مکتبی زندانی بود که روزی آن‌جا درس می‌خواند. لبخند می‌زند. شاید آرزوهای بزرگی داشت. دختری زیبا با

مردن در مسجد؛

«جایی برای زنان نیست»



موسفیدان صاحب رسوخ

در کلان‌ترین مسجد روستا

با فرماندهان طالبان رای‌زنی

می‌کنند. از شیوع فساد

گسترده نگران بودند و

وجود مبایل‌های هوشمند را

عامل تباهی و بی‌بندوباری

می‌پنداشتند. کریم‌خان که در

آن جلسه اشتراک داشته است،

می‌گوید: «مه به عباس گفته

بودم که دخترم را به مکتب

نمان، مبایل و انترنت نگیر. آخر

به سیاسترها هم کسی مبایل

گرفته! فکر کنم کم‌کم همو

خاصیت‌های کمونیستی سابقش

هنوز هم است.»

موهای خرمایی که باور داشت عاشق صادق شده است و تلاش زیادی برای به دست آوردن عشقش کرده بود؛ اما زنجیرهای اجتماع و قفس آهنین فرهنگ روستایی، قوی‌تر از آن بود که شکسته شود. خویشاوندان عباس عصبانی بودند و به کنایه می‌گفتند: «دختر باسوادت آبروی ما ره برد.» از عباس می‌پرسم چرا نگذاشتی آن‌ها باهم ازدواج کنند؟ با تردیدی که ذره‌ای از ندامت نیز در آن حس می‌شود، پاسخ می‌دهد: «صادق از قوم ما نبود، از قوم دیگر بود. مه قسم خورده بودم که دخترم ره ده او نمی‌تم. حالا که فکر می‌کنم، اگه ای کار را می‌کردم، ای مصیبت‌ها نمی‌آمد.» بعد تُن صدایش تغییر می‌کند و قطره‌ای اشک بر مژگانش می‌لغزد.

در آن شش روز کسی از جهان درونی الهام نمی‌داند. کسی با او حرف نزده است تا رازها، قصه‌ها و حرف‌هایش را تعریف کند. آی‌طلا و برادرش ذبیح به مکتب برای نگهداری الهام رفته بودند. ذبیح می‌گوید: «مه با او حرف نزدم، بدم می‌آمد، آبرو ماره برده بود؛ اما دلم برش می‌سوخت. قلبا دوستش داشتم و بسیار ناراحت بودم.»

همه به این باور بودند که تا چند روز دیگر الهام از زندان طالبان آزاد می‌شود و با صادق ازدواج می‌کند. قرار بود صادق آماده‌گی بگیرد و از بلخ به ولسوالی درزاب جوزجان بیاید، نکاح کند و با الهام زنده‌گی مشترک خود را آغاز کنند. الهام شش روز گریه کرده بود. اندوهی بزرگ در رگ‌هایش جاری بود. از پشت دروازه به مادرش می‌گفت که گناهی ندارد. آی‌طلا باور دارد که دخترش گناهی نکرده است، اما می‌افزاید: «هرچند دیدن یک دختر و پسر ده سر کوچه بد است.»

جایی برای زنان نیست

کسی نمی‌داند الهام چرا در آن شب سرد خزانی که تنها صدای پارس سگ‌ها در آسمان می‌پیچید، فرار کرده است. مادرش می‌گوید: «مه نیمه‌خواب بودم و صدای سگ‌ها زیاد شنیده می‌شد.» بعدها

جنگ‌جویان طالبان گفته‌اند که الهام از پنجره نیمه‌باز فرار کرده، از سنگ و خاشاک سیل‌رو گذشته و می‌خواست از این مخمصه خود را نجات دهد. دو جنگ‌جوی طالب او را تعقیب می‌کنند. شب سیاه‌تر می‌شود و صدای سگ‌ها بیش‌تر در آسمان می‌پیچد. ذبیح می‌گوید: «ده قریه سروصدا شد، مثلی که کدام گرگ آمده باشه. سگ‌ها عوعوکنان هر طرف می‌دویند؛ اما مه و مادرم در کنار دروازه خواب بودیم. نمی‌دانستیم چه شده است.» نخست سگ‌ها بخشی از بدن الهام را تکه‌وپاره می‌کنند. نشانه دندان‌های سگ‌ها در بدنش دیده شده است. لباس‌هایش پاره و قسمت‌هایی از بدنش خونین شده است. بعد به خانه ارباب پهلوان پناه می‌برد. انگار فکر می‌کند که خانه ارباب امن است، یا می‌رود تا راز بزرگی را به پهلوان بگوید.

برخی می‌گویند الهام فرار نکرده است، بلکه جنگ‌جویان طالبان او را به‌گونه پنهانی و دور از چشم مادر و برادرش از پنجره سمت قبرستان مکتب دخترانه بیرون کشیده، بر او تجاوز کرده و قصد داشته‌اند به بهانه فرار، او را تیرباران کنند. در هنگام تجاوز، الهام از دست آن‌ها فرار می‌کند و به خانه ارباب پهلوان پناه می‌برد. مردی بزرگ‌هیكل با ریش بلند و تسبیح چوبی که افتخار دو بار حج کردن را دارد. ارباب پهلوان برای الهام در آن شب ظلمت و تاریک پناه نمی‌دهد. می‌گوید: «به رویش برق زدم. به نظرم سگ‌ها زیاد خاییده بود.» بعد دو جنگ‌جوی طالب مسیری را تعقیب می‌کنند که سگ‌ها آن طرف می‌دوند. هنگامی که ارباب پهلوان الهام را از دروازه‌اش بیرون می‌کشد، طالبان سر می‌رسند و او را با خود می‌برند. می‌پرسم الهام به خانه‌ات پناه گرفته بود، چرا کمکش نکردی؟ لهجه‌ام خشم دارد و عصبانیتش بیش‌تر می‌شود. بعد با خون‌سردی پاسخ می‌دهد: «خانه مه جای ای رقم زن‌ها نیست. فرشته و ملائکه از مه دور می‌شن.» در صدایش ندامت نیست و ترحم دیده نمی‌شود. سکوت می‌کند.

جنگ‌جویان طالبان الهام را به بزرگ‌ترین مسجد روستا می‌برند. کنار چاه آب و صفه‌ای که ستون‌های چوبی کندن کاری شده دارد، می‌گذارند. هر کدام از این ستون‌ها با پارچه‌های رنگی تزئین شده است تا خانه خدا زیباتر به نظر برسد. آخرین بار ارباب پهلوان الهام را دیده است. آخرین بار با هیبت و بدخلقی او را از خانه‌اش بیرون کرده و به جسم تکه‌تکه شده‌اش امان نداده است. جنگ‌جویان طالب دست‌های الهام را در ستون سوم صفه مسجد می‌بندند و سیزده گلوله بر سروصورت او شلیک می‌کنند تا دیگر نفس نکشد. به نظر می‌رسد صدای گلوله‌ها بر محراب و منبر پیچیده، به خانه‌های اطرف رفته و به گوش ارباب پهلوان هم رسیده است. پهلوان می‌گوید: «مه صدای تفنگ ره شنیدم، خو فکر نمی‌کردم که الهام ره تیرباران کده باشن؛ اگرچه حقش بود.»

طالبان ادعا کردند که او را در هنگام فرار کشته‌اند؛ اما مادرش می‌گوید: «جای ریسمان در دستش سیاه شده بود.» بعد الهام را در قبرستان کنار مکتب دخترانه دفن می‌کنند و ملای مسجد در جنازه‌اش موعظه‌ای شورانگیز ایراد می‌کند؛ این‌که دیگر مردم دختران‌شان را به مکتب نفرستند و برای آن‌ها مبایل نخرند.



رافیل نادال قهرمان رقابتهای تینس اوپن فرانسه شد

رافیل نادال، تینس باز ۳۶ ساله اسپانیایی، با شکست کاسپر رود، برای چهاردهمین بار قهرمان رقابتهای اوپن فرانسه در بخش مردان شد. این دیدار یکشنبه شب، ۵ جون، در ورزشگاه رولان گاروس برگزار شده بود.

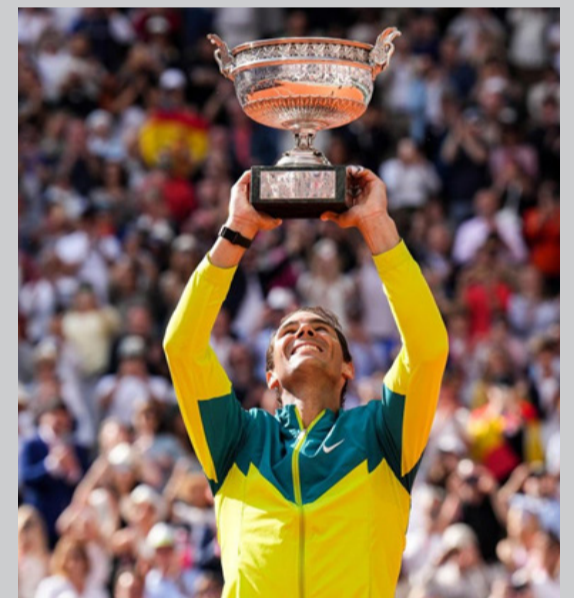
در این دیدار رافیل نادال در سه دوره با نتایج ۶ بر ۳، ۳ بر ۶ و ۶ بر ۰ توانست کاسپر رود نیوریجی را شکست بدهد تا برای چهاردهمین بار قهرمان این رقابتها شود.

این بازیکن در هفدهمین سال حضورش در این رقابتها با حذف نواک جوکوچ، مرد شماره یک تنس جهان و الکساندر زورف آلمانی، به فینال این رقابتها راه یافته بود.

نادال در سال ۲۰۰۵ میلادی در مسابقات اوپن فرانسه اشتراک کرد و در همان سال اولین جام قهرمانی خود را در این رقابتها به دست آورد.

در سوی دیگر، ایگش فیانتیک پولندی، با شکست کوکو گافوف امریکایی، قهرمان این رقابتها در بخش زنان شد.

مسابقات تنس اوپن فرانسه در دو بخش زنان و مردان به تاریخ ۱۶ می آغاز شد و تا ۵ جون ادامه داشت.



تیم فوتبال ولز با شکست اوکراین به جام جهانی ۲۰۲۲ قطر راه یافت

تیم ملی فوتبال ولز در فینال پلی آف جام جهانی ۲۰۲۲ قطر، با یک گول تیم ملی فوتبال اوکراین را شکست داد و به جام جهانی راه یافت. این دیدار روز یکشنبه شب، ۵ جون، در ورزشگاه شهر کاردیف، پایتخت ولز، برگزار شده بود.

در این دیدار آندری یارمولنکو، بازیکن تیم اوکراین، به گونه اشتباهی دروازه تیم خود را باز کرد تا اوکراین حذف شود.

با این پیروزی تیم ملی فوتبال ولز در گروه «ب» جام جهانی فوتبال قطر قرار گرفت.

این تیم قرار است در اولین بازی گروهی به تاریخ ۲۵ نوامبر به مصاف تیم ملی فوتبال ایران برود.

رقابتهای فوتبال جام جهانی ۲۰۲۲ امسال با میزبانی قطر قرار است به تاریخ ۲۱ نوامبر آغاز شود و تا ۱۸ دسامبر ادامه پیدا می کند.

افزایش بهای مواد خوراکی؛

مردم مزارشریف با گذشت هر روز ناتوان تر می شوند



۸ صبح، بلخ

می گوید روزانه از سوی این نیروها لت و کوب می شود. می گوید: «من صبح وقت از خانه بیرون می شوم و گاهی حتا نماز خفتن را در همین جا ادا می کنم و بعد به خانه می روم. روزانه ۲۰۰ تا ۳۰۰ افغانی کار می کنم، اما با این پول هیچ چیزی خریده نمی توانم. نزد نواسام شرمند شدم. وقتی به خانه رفتم، برایم گفت بابه جان برایم سیب بیا. برایش گفتم سیب هنوز پخته نشده، بگذار پخته شود، برایت می آورم. روز بعدش از روی تصادف در خانه همسایه سیب را دیده و وقتی شب به خانه رفتم، نواسام برایم گفت بابه جان سیب پخته شده، چرا برایم دروغ گفتی.»

با این حال عزت الله نیز که برای خرید به مندوی شهر مزارشریف آمده است، از بهای بلند مواد خوراکی شکایت دارد. او اما طالبان را مقصر می داند. عزت الله می گوید: «مشکل از حکومت کنونی است، مشکل از ملت نیست. تاجر به سر خود است؛ هر کاری بکند، کسی نیست که از او بپرسد. دولت [طالبان] باید بالای تاجر فشار بیاورد و در بازار کنترل داشته باشد.»

از سویی هم شماری از فروشندگان در شهر مزارشریف می گویند که فروشات آنان نسبت به گذشته تا نصف کاهش یافته است. آنان علت بلند رفتن بهای مواد خوراکی را کاهش واردات این مواد، محصولات بلند گمرکی و افزایش بهای این مواد در بازارهای جهانی عنوان می کنند.

برهان الدین، یکی از فروشندگان در شهر مزارشریف، می گوید پس از تحولاتی که در کشور به وجود آمد، بیش تر مردم دچار فقر و بیکاری شده اند و توانایی اقتصادی آنان کاهش چشم گیری یافته است. او در مورد دادوستد خودش و نرخ برخی از مواد اولیه می گوید: «هرچند همه روزه کار ما متفاوت است، اما در مجموع فروشات به نصف پایین آمده است. اگر در گذشته ۵۰ هزار افغانی دخل می گرفتیم، اکنون ۲۰ یا ۲۵ هزار

افغانی دخل می گیریم. قیمتها هم افزایش یافته است؛ مثلاً یک بوری آرد در گذشته به دو هزار و ۱۰۰ افغانی به فروش می رسید، اما اکنون به دو هزار و ۷۰۰ افغانی به فروش می رسد. یک خریطه برنج ۲۴ کیلویی که قبلاً دو هزار و ۵۰۰ افغانی قیمت داشت، اکنون به سه هزار افغانی رسیده است.»

حاجی نورالدین، یکی دیگر از فروشندگان در مندوی شهر مزارشریف است که می گوید قیمتها به دلیل محصولات بلند گمرکی و بلند رفتن قیمت در بازارهای جهانی، افزایش یافته است. به گفته او، جنگ روسیه و اوکراین نیز تأثیراتی بر بهای آرد در کشور داشته است. وی هم چنان می گوید: «مردم توان خرید مواد خوراکی را ندارند. کسی که برای کار در بدل ۲۵۰ افغانی به روی جاده ها می رود و کار پیدا نمی کند، چگونه یک دهلیتره روغن را به قیمت یک هزار و ۷۵۰ افغانی خریداری کند؟ یک کیلو چای را چگونه به ۳۰۰ افغانی خریداری کند؟ یک کلچه صابون ۱۵ افغانی بود، حالا به ۲۵ افغانی رسیده است. یک قطی رب از ۸۰ افغانی به ۱۵۰ افغانی رسیده است. نرخها در عموم بلند رفته است.»

محمدعارف هم که در شهر مزارشریف فروشگاه مواد خوراکی دارد، از چشم دیدنهای روزانه اش می گوید: «وضعیت اقتصادی مردم بسیار خراب است، به حدی که نمی توانند یک خریطه برنج خریداری کنند. کسی که قبلاً یک خریطه برنج می خرید، امروز آمد و از من یک کیلو برنج خریداری کرد. همین گونه کسی که یک بوری آرد خریداری می کرد، اکنون یک سیر آرد می خورد.»

باشندگان مزارشریف با انتقاد از مقامهای محلی طالبان، می گویند آن ها به جای فراهم ساختن زمینه کار برای مردم و کنترل بازار، دست به آزاروایدت مردم می زنند. به گفته آن ها، با آن که نیروهای این گروه از کسبه کاران پول جمع آوری می کنند، اما به آنان اجازه کار را نمی دهند.

دولت چین سه فضاورد را در یک مأموریت به ایستگاه فضایی این کشور در مدار زمین فرستاده است. تلویزیون رسمی چین، روز یکشنبه، ۵ جون، گزارش داده است که این سه فضاورد برای انجام یک مأموریت شش ماهه به فضا رفتند. مأموریت اصلی این فضاوردان ادامه ساخت ایستگاه فضایی چین در مدار زمین عنوان شده است. نام فضاپیمای حامل این فضاوردان شنزو - ۱۴ - Shenzhou - ۱۴ است و از مرکز پرتاب ژیکوان - Jiuquan به مدار زمین گسیل شده است.



پاپ فرانسیس: لطفا بشریت را نابود نکنید

پاپ فرانسیس، رهبر کاتولیک‌های جهان، رهبران دولت‌های دخیل در جنگ اوکراین را مخاطب قرار داده گفته است که لطفا بشریت را نابود نکنید.

پاپ فرانسیس روز یکشنبه، ۵ جون، درخواست خود را از رهبران دولت‌ها برای جست‌وجوی راه حل دیپلماتیک برای پایان دادن به جنگ اوکراین تجدید کرده است.

پاپ گفته است: «در حالی که خشم مرگ و ویرانی ادامه دارد و مواضع متضاد گسترش می‌یابد، به تشدید تنش‌هایی دامن می‌زند که به‌طور فزاینده برای همه خطرناک است. من مجدداً خطاب به رهبران ملی تجدید درخواست می‌کنم: لطفاً بشریت را به تباهی نکشید، بشریت را به تباهی نکشید.»

او از رهبران دولت‌های غربی خواسته است: «مذاکرات واقعی و گفت‌وگوهای مشخص برای آتش‌بس و راه‌حل پایدار انجام دهید. به فریاد نامیدانه مردمی که در رنج هستند، گوش دهید - ما هر روز آن را در رسانه‌ها می‌بینیم. به جان انسان‌ها احترام بگذارید، از تخریب وحشتناک شهرها و روستاها جلوگیری کنید، در همه‌جا.»

این رهبر مذهبی روز چهارشنبه هفته گذشته خواستار رفع محاصره صادرات گندم از اوکراین شده بود. گفتنی است که پاپ فرانسیس از آغاز جنگ اوکراین تاکنون بر حل دیپلماتیک این جنگ تأکید کرده است.

هشدار پوتین:

اگر موشک‌های دوربرد به اوکراین ارسال شود، مسکو به اهداف جدیدی حمله خواهد کرد

نتیجه‌ای مناسب خواهیم گرفت و از سلاح‌های خودمان که به اندازه کافی در اختیار داریم استفاده می‌کنیم تا به تاسیساتی که هنوز هدف قرار ندادیم، ضربه بزنیم.» به گزارش تاس، رییس جمهور روسیه تأکید کرده است: «عرضه MLRS آمریکایی به اوکراین اساساً چیزی را تغییر نمی‌دهد؛ زیرا کی‌یف قبلاً تسلیحات از جمله موشک‌های دوربرد مشابه داشت، بنابراین آن‌ها به‌ساده‌گی خسارات خود را جبران می‌کنند.»

پوتین این هشدار را پس از سخنان جو بایدن، رییس جمهور آمریکا، صادر کرده است. روز سه‌شنبه هفته گذشته بایدن گفته بود که ایالات متحده به اوکراین «سیستم‌های موشکی و مهمات پیشرفته‌تری» می‌دهد؛ زیرا به گفته او، جنگ این کشور با روسیه ادامه دارد.

ولادیمیر پوتین، رییس جمهور روسیه، روز یکشنبه، ۵ جون، هشدار داده است که در صورت ارسال موشک‌های دوربرد آمریکا به اوکراین، مسکو به اهداف جدیدی حمله خواهد کرد.

به گزارش خبرگزاری تاس، پوتین در مصاحبه‌ای با شبکه تلویزیونی Rossiya-1 گفته است که تحویل تسلیحات جدید به کی‌یف تنها با هدف «تمدید درگیری مسلحانه ممکن است.»

رییس جمهور روسیه افزوده است که در مورد تحویل موشک‌های دوربرد به کی‌یف، روسیه «نتیجه‌ای مناسب» خواهد گرفت و به «تاسیساتی» که هنوز هدف قرار نداده است، حمله خواهد کرد.

پوتین در خصوص وضعیت تأمین تجهیزات آمریکایی گفته است: «در صورت تأمین آن‌ها، از این موضوع



جوانان مسلمان مردی را در نایجریه به اتهام توهین به مقدسات زنده سوزاندند

اظهار نظر توهین‌آمیزی کرده است. با شنیدن این اظهار نظر، جمعیت بر او هجوم آورده، او را لت‌وکوب کرده و در آخر به آتش انداخته‌اند. یک ماه پیش نیز یک دانشجوی کالج آموزشی شیپوشاگاری در این کشور پس از انتشار پستی در شبکه‌های اجتماعی که به نظر دانشجویان توهین به مقدسات بود، سنگسار شده و جسدش توسط این دانشجویان سوزانده شد.

یک نگهبان انبار چوب در آبوچا، پایتخت کشور فدرال نایجریه، به اتهام توهین به اسلام به قتل رسید. به نقل از وبسایت دیلی‌پست آمریکایی، این حادثه روز یکشنبه، ۵ می، در یک بازار چوب‌فروشی در شهر آبوچا رخ داده است.

این نگهبان برای بازرسی در حال گشت زدن در بازار چوب بود. براساس گزارش‌ها، زمانی که ساکنان از او «به نام خدا» التماس می‌کردند تا دست از بازرسی بردارد،

برگزاری همه‌پرسی قانون اساسی در قزاقستان



شهروندان قزاقستان روز یکشنبه، ۵ جون، در همه‌پرسی برای اصلاح قانون اساسی این کشور اشتراک می‌کنند.

رویتزر گزارش داده است که هدف از این همه‌پرسی، اصلاح قانون اساسی و کاهش تمرکز قدرت در قزاقستان گفته شده است.

اصلاحات در قانون اساسی قزاقستان راه را برای نامزدی دوباره ژومارت توکایف شست‌ونهم‌ساله، رییس جمهور کنونی این کشور در انتخابات آینده هموار می‌سازد که از سال ۲۰۱۹ تا حالا در قدرت است، هر چند قدرت مادام‌العمری را از او می‌گیرد.

توکایف در آستانه برگزاری این همه‌پرسی گفته است: «ما اساس جمهوری دوم را می‌گذاریم.»

منتقدان دولت قزاقستان هر چند برگزاری این همه‌پرسی را نمایشی می‌خوانند، اما آن را نشان‌دهنده یک چرخش در روند جابه‌جایی قدرت در این کشور می‌دانند.

این همه‌پرسی پس از اعتراضات گسترده شهروندان قزاقستان به گرانی بهای نفت برگزار شده است. قزاقستان از کشورهای نفت‌خیز در آسیای مرکزی است که روابط نزدیکی با روسیه دارد.

آسترالیا: جنگنده‌های چینی برای هواپیماهای ما در نزدیکی دریای جنوبی چین مزاحمت ایجاد می‌کنند

بسیار نزدیک به کناره 8-P پرواز کرد... در پرواز نزدیک به پهلو، شعله‌های آتش را آزاد کرد.»

بیجینگ این ادعاهای وزارت دفاع آسترالیا را رد کرده و گفته است که هواپیماهای جنگی این کشور مطابق قوانین بین‌المللی عمل می‌کنند. چین، آسترالیا را به انتشار اطلاعات نادرست در مورد این کشور متهم کرده است. گفتنی است که دو کشور پیشینه چین برخوردارهایی را در گذشته نیز داشته است.

گفته می‌شود در سال ۲۰۰۱ زمانی که یک جنگنده چینی با یک هواپیمای نیروهای دریایی آمریکا بر فراز دریای جنوبی چین برخورد کرده، خلبان این جنگنده چینی کشته شده و هواپیمایی آمریکایی نشست اضطراری کرده بود.

وزارت دفاع آسترالیا روز یکشنبه، ۵ جون، مدعی شده که مانورهای تهاجمی یک جت جنگنده چینی خدمه یک هواپیمای شناسایی آسترالیایی را در حین گشت‌زنی در مجاورت دریای چین جنوبی به خطر انداخته است. ریچارد مارلز، وزیر دفاع آسترالیا، گفته است که هواپیمای چینی J-16 در حالی که ماه گذشته در یک مأموریت نظارتی معمول در حریم هوایی بین‌المللی بود، در کنار هواپیمای 8-P آسترالیا قرار گرفت.

وزارت دفاع آسترالیا در بیانیه‌ای این برخورد را «مانور خطرناکی که تهدیدی ایمنی برای هواپیمای 8-P و خدمه آن بود» توصیف کرده است.

مارلز در مصاحبه‌ای تلویزیونی به News ۹ آسترالیا نیز گفته است: «هواپیمای J-16

